

# ظرافتهای رفتاری در کودکان پر ارضانه

بمنااسبت احساس کمبودی که برای کودک است حتی اگر در مواردی بیش از دیگران از موافقی بهره مند گردد، این تصور برایش وجود خواهد داشت که از دیگران محروم تر است.

برای داشتن نسی سالم و طبیعی ضروری است فرزندان در محیط عادی و طبیعی رشد کنند و هیچ محیطی در جنبه تلقی کودکان طبیعی تر از محیط خانواده نیست. زندگی در جامعه و محیط مناسب حق کودک است و از این حق همه کودکان باید بهره ببرند. سوخته نسل شهیدان که ضرورت پر خور داری آنها از صغر و عواطف عادی بیشتر است. همچنین



بخصوص خانوادههای که زندگی بی کفایتی در مقایسه با دیگران خواهد بود تنها باعث تعدیل خواسته ها و ارزیابی وضع آنها گردد. این تغییر هم در مقایسه با دیگران خواهد بود و موفقیت خود در مقایسه با دیگران خواهد بود.

## امنیت خاطر او

تفاهد وجودش مایه سرور و شادی دیگران است. آزاد باشد، والینه آنگونه آزاد که در موارد تجاوز از رمز فردی باشد که دلسوزانه راه او را سد کند.

— دارای امکان عمل باشد، بدینصورت که در پیچیدگی کار راهنمایی برای خود بیاید.

— رفتارش چهره توجیه زیبا، چه کامل و چه ناقص سبب طرد و محرومیت قانونی او نشود.

— از هدایت اخلاقی برخوردار باشد بدین

از احساس بسیاری از اربابانها مضمون خواهد داشت.

چنین کودکانی بیش از دیگر افراد همسال نیاز به امنیت دارند و امنیت آنها بستگی به مسائل زیر دارد:

- محبوب باشد گونه ای که در یک کند دیگران
- دوست میدارند.
- منبع شرف باشد، باین صورت که احساس



صورت که کسی او را یادآوری کند که فلان عملش صواب یا ناصواب بوده.

— و بالاخره با افراد دورو برخورد مانوس باشد آنچنان که بتواند رازدل خود را با آنها در میان نهد.

## تربیت در آغوش خانواده خود

میخواهیم بگوئیم که وضع خاص کودکان ، از دست دادن پدر و احیانا " ضرورت اشتغال مادر نباید سبب آن شود که کودک هم چون تویی دست به دست بگردد . او که پدر را از دست داده بیش از هر زمانی و هر کودکی دیگر نیاز دارد در آغوش خانواده خود باشد . وجود یک تغییر در خانواده او را کافی است ، دیگر محیط فیزیکی و افراد مورد انس او نباید تغییر پیدا کنند .

امر سرپرستی او باید همچنان ادامه پیدا کند حتی در صورت ازدواج مجدد مادر کودک باید با او همراه باشد . سپردن طفل بدست عمه ، خاله مادر بزرگو ... نوعی ستم است و طفل را بیش از پیش دلشکسته میسازد .

این کودک بیش از هر کودک دیگری حق دارد به مادر نزدیک باشد ، از بستان او شیر بخورد ( مگر آنگاه که مادر بیمار یا دچار افسردگی روانی باشد ) ، در کنار او بخوابد ، از او نوازش ببیند همچنین ضروری است تماس او با عمو ، دایی پدر بزرگ ، مادر بزرگ ، بستگان و خویشان بیشتر گردد و سرخوردگی‌ها و شکستهای روحی او از این طریق فراموش یا جبران گردد .

## مهد کودک

در اینجا بی مناسبت نیست از مسئله دارالایتام و نیز مهد کودک سخن به میان آوریم . نخست یادآور میشویم در نظام تربیتی اسلام مهد کودک کودکان یا دارالایتام نداریم ، مگر آنگاه که

## اهمیت خانواده

خانواده این مزیت را دارد که قادر است مراتب فوق و مورد نظر را تامین کند ، برای کودک امنیت خاطر و اطمینان آورد ، ضمن اینکه آموزش های اساسی و سازندگی های ریشه دار و مستمر را در او ایجاد می نماید . محیط های غیر خانواده هر چند که سازنده و مهم باشد هر چند که کار مسئولان آن از روی نقشه و حساب باشد باز هم دارای نقش مصنوعی و تربیت شان بی ریشه است .

روانشناسان شخصیت محیط گرم خانواده را از ضروریات اصلی و اولیه رشد شخصیت میدانند هم چنانکه قائلند ، همان محیط بشرط نابهنجاری در فساد شخصیت اثر دارند . چه بسیار افرادی که حتی مدرسه و مربیان در تربیت آنها ناتوان مانده و بستوه آمده بودند ، در حالیکه محیط خانه و بویژه تلاش و خدمت مادر در آنها اثر گذارده و سازندگی لازم را در آنان پدید آورده است .

در بررسی وضع نابهنجاران ، بویژه کودکان و نوجوانانی که دست به جنایت و انحراف آلودند این نتیجه بدست آمد که اغلب آنان یا در خانواده ه رشد نیافته بودند و یا خانواده شان نابسامان و گرفتار بودند و برعکس بیشترین گروه از افراد متعادل و خدمتگزار در اجتماع کسانی هستند که در محیط های مناسب رشد یافتند .

خانواده خود کودک نباشد ضروری است در خانه‌ای دیگر، شبیه وضع قبلی تربیت شود. در اسلام خوشبختانه راجع به این امر توصیه بسیاری شده است.

مردم مسلمان وظیفه دارند کودکان یتیم، بویژه آنهایی را که از نسل شهیدان امت اسلامی هستند افتخاراً "بهمراه خود و در خانواده خود داشته باشند، همانند فرزندان خویش و بلکه بهتر از آنها تربیت‌شان کنند، از آنچه خود می‌خورند و می‌پوشند آنان را بهره مند سازند. این امر همچنان باید ادامه یابد تا دوران کودکی‌ش پایان یابد و از سرپرستی بی‌نیاز گردد.

## رفع نیازهای کودک

کودک به‌رمیزان که خردسالتر باشد نیازش به محبت اختصاصی، نوازش و حمایت بیشتر است. او نیازمند است در میان جمع همسالان خود باشد با آنها بجوشد و بیاموزد، همانند آنها زندگی کند از اعتماد کافی و اطمینان روانی برخوردار گردد. همه آنچه که در دور و برش می‌گذرد و همه‌امور و برنامه‌ها برای او باید رسمی و طبیعی باشد. میدانیم که در کودکان و نوجوانان و دارای‌ایتم‌ها چنین رسمینی نیست، طفل پس از چند صباحی احساس میکند که فردی متروک است، صاحب رسمی و قانونی ندارد، دوش به دوش دیگر کودکان است ولی در دل او آشوب و بلوایی است.

فقدان پدر یک کمبود است ولی حضور مادر در خانه و زندگی طفل در کنارش میتواند تا حدودی این نارسائی را تعدیل نماید. مطالعه در متون اسلامی این مسئله را به ماتابت میکند که اسلام میخواهد طفل به‌خصوص در هفت سال اول زندگی آزاد و در خانه‌کنار مادرش باشد، تاخوی و

مسلمانان مسئولیت سرپرستی کودکان و انهدا را فراموش‌کنند و اطفالی در اجتماع بی‌سرپرست و نابسامان بمانند.

پیدایش کودکان و مهد کودک از غرب و بازناب نظام صنعت است که در آن زن را برای تولید بیشتر و استثمار به کارخانه‌ها کشاندند و ناگزیر برای کودکان هم مهد کودک ساختند. مناسبانه برخی از مادران فرزندان خود را به این موسسات سپردند و گمان داشتند بایول دادن میتوان آدم ساخت. آنها متوجه نشدند که دایه یا پرستار برای کودک یک موجود بدلی است و هرگز نوازش و ابراز محبت آنها برای کودکان کافی نخواهد بود.

زیان‌بارتر از آن، فرستادن کودکان به موسسات شبانه‌روزی، دارالایتم هاست که مشکلات عاطفی بسیار به بار می‌آورد و حداقل اینکه روحیه‌شان رامی‌کشد و افسردگی را بر آنان غالب می‌سازد. بررسی‌های علمی نشان داده‌اند که بسیاری از اینگونه کودکان دچار عقب ماندگی روانی بوده و دچار اختلالات عاطفی بسیار شده‌اند.

## خانه مردم

اگر امر دایر شود که طفل را ناگزیر به دارالایتم و موسسات شبانه‌روزی بفرستند، باز هم مصلحت در این است که این امر را رها کرده و حاضر شوند کودکان در خانه مردم و در کنار دیگر همسالان کودک خود تحت سرپرستی مسلمان دلسوزی باشند.

برای حفظ و کنترل آنها، وهم آموزش مسائل اساسی حیات، در صورتی که امکان سرپرستی در

دیگر افراد جامعه، از طریق مسافرت‌ها، دید و بازدیدهای فامیلی‌آشنا کنید.

## محیط فکری و روانی

آنچه در این فعل و انفعالات مهم است حفظ سلامت محیط فکری و روانی اوست. شیوه تربیتی ما نباید بگونه‌ای باشد که او خود را تاافته‌ای جدا یافته از دیگران دانسته و خود را در یکی از دو قطب مثبت یا منفی حیات بداند.

روش برخورد ما با او، انس و الفت ما با کودک بیتیم نباید بصورتی درآید که او خود را محروم از نعمت‌ها و یا دردانه‌ای از خود راضی بداند. زیرا در چنان صورتی او درآینده با مشکلاتی مواجه خواهد شد. سعی و تلاش شما مادر مهربان که فقط محبوب درگاه خداوندید، این باشد که عادات شایسته و صحیحی در او ایجاد کنید، ضمن اینکه برخورد شما بصورتی خواهد بود که احساس بی‌پدری نکند، مراقبت خواهید داشت و برای اجرای برنامه صحیح زندگی بیداری و آمادگی بیدانماید.

میدانید عملکرد و طرز فکرهای افراد جامعه انسان را تحت تاثیر قرار میدهد، در برقراری روابط بر این اساس بکوشید که مصیبتی جدید برای او فراهم نکنید و بریدختی او نیفزائید.

در سازندگی او از وسایل و ابزارهای گوناگون استفاده کنید، یک شعر خوب، یک داستان جالب، یک گفتار صمیمانه، یک لطفه بجا، میتواند برای فرزندان شما سازنده و جهت دهنده و نوعی گردگیری و غبار رویی از فکر و ذهن او باشد. در تربیتش بیحوصلگی نشان ندهید، برای سعادت فرزندان کار کنید و مطمئن باشید که خدا با شماست.

عاطفه‌اش شکل گیرد، از او معارف بیاموزد اخلاقش رنگ پیدا کند، حتی هنری و راه و رسمی برای زندگی فراگیرد، از مهر و عنایت او بهره برد زیرا این دعوی ثابت شده‌ای است که هیچکس چون مادر برای فرزند دلسوز نیست.

## توسعه ارتباطات

مازنانی رامی‌شناسیم که در غم مرگ عزیز از دست رفته خود آنچنان متأثر و غمگینند که حتی باب ارتباط دیگران را بروی خود و فرزندان خود سد کرده‌اند، درب خانه را به روی دیگران بسته و با احدی مراوده و معاشرت ندارند.

اینکه غم مرگ عزیزی آنچنان، که دارای آن همه فصیلت و شرف و انسانیت بود بر آدمی سنگین می‌آید جای بحثی نیست. هم چنین اینکه در این غم و عزاهمسر آدمی باریشتری را بر دوش می‌گذارد باز هم جای سخنی نخواهد بود. اما یک مسلمان مسئول بخاطر آنچه که از دست رفته است آینده خود و دیگران را رها نمی‌کند، میکوشد که در بایاد وظیفه امروز و روزهای بعدی او چیست. شما و کودکان به این امر نیاز دارید که با افراد هم‌نوع از بستگان و دوستان معاشرت داشته‌سید باشید، بخصوص فرزندان که در این رابطه می‌بایست ضمن آموزش آداب و رسوم، قوانین انضباطی و اخلاقی، قادر به تحمل فشارهای ناشی از فقدان پدر گردد و بدون ناراحتی به زندگی خود ادامه دهد.

پس از شهادت پدر، میدانهای ارتباطی او را توسعه دهید، او را با مردان خانواده، مثل عمو و دایی بیشتر مانوس کنید، تا از این طریق زندگی عاطفی او سرو صورتی پیدا کند. والبته در ضمن آن می‌توانید او را با دنیای خارج، با